

تراز اول آن قدرها اقبالی به ترانه نشان نداده اند؟ کاکایی این موضوع را ناشی از این می داند که ترانه سرایی یک کار فنی است و به عبارتی کار هر کسی نیست که بتواند ترانه بسراید. به گفته وی ترانه سرافوقی سروده اش را از مزه می کند باید بتواند درست و همگام با موسیقی بخواند؛ یعنی او باید هم هجرا که ابزار شعر است و هم سیلاب را که ابزار ترانه است خوب بشناسد. این مسئله باعث می شود که هر شاعری با وجود همه توانایی هایی که دارد الزاماً در کار ترانه موفق نباشد یا این که تمایلی به وارد شدن به این عرصه نداشته باشد. کاکایی سپس به پیش داوری های موجود درباره ترانه اشاره کرد و گفت: اما گذشته از این مسئله که یک مسئله فنی است و به استعداد افراد بر می گردد، متأسفانه نسبت به ترانه یک پیش داوری هم در میان منتقدان ما وجود دارد که باید گفت ناشی از چهل آنان نسبت به ترانه است. البته این چهل سابقه تاریخی دارد. کاکایی در ادامه یادآور شد که این دیدگاه همچنان در میان منتقدان مایه می شود. به نظری حتی همین دیدگاه است که باعث شده است شوراهای نظارتی ترانه متشکل از جمعی شاعر باشند و نه ترانه سرا. قدرت شعری و دانش ادبی ابزاری است در دست ترانه سرا که از آن به اندازه ای که لازم است یعنی به طور محدود استفاده کند. ترانه جای عرض اندام ادبی نیست و اگر ادبیات بر وجه موسیقی آن غلبه کند، موفق نخواهد بود. کاکایی مقایسه شاعران و ترانه سرایان را در بنیاد کاری اشتباه می داند: بر اساس همین سنت غلط ترانه سرایان را با شاعران مقایسه می کنند. حال آن که این مقایسه اساساً نادرست و ناعادلانه است. اگر از دید موسیقی به ترانه های ترانه سرایان نگاه کنیم می بینیم که آن ها، هوش موسیقی خیلی بالایی دارند. اما به طور کلی باید گفت این قیاس اصلاً و اساساً درست نیست.

#### ■ محدودیت موضوعی

بی گمان عشق موضوع مهمی است و هر چند این نظر مطرح است

که هیچ چیز ارزش عواطف آدمی را ندارد؛ اما چرا این عواطف تنها باید محدود به عشق باشد و چرا این همه موضوعات اساسی که می تواند هدف احساسات باشد، نادیده گرفته می شود. مسئول دفتر ترانه حوزه هنری از کسانی است که خود به شدت منتقد این وضع است. به نظری مسائل و موضوعاتی که می توانند موضوع ترانه قرار گیرند زیادند؛ ولی ترانه سرایان به این امر توجه ندارند؛ بیابانگی بر چگونگی محتوای ترانه ها تأکید می کند و در این زمینه می گوید: مضمون بیشتر ترانه های کسان و غیر قابل قبول است و دلیلی ندارد که مضمون ترانه ها الزاماً عاشقانه باشد. این محدودیت محتوایی ناشی از محدودیت دیدگاه هاست. اما در حالی که بیابانگی محدودیت موضوعات ترانه ها را ناشی از محدودیت دیدگاه های ترانه سرایان می داند، عبدالجبار کاکایی علت این موضوع را در اعمال سلیقه های شخصی در امر نظارت می داند. به نظر او این محدودیت ها از بیرون بر ترانه سرایان تحمیل شده است. وی در توضیح این نکته گفت: علت این محدودیت این است که نظارت تنها یک قرائت را قبول دارد و به رسمیت می شناسد. قرائتی که خیلی محتاطانه است. این نگرش هیچ قرائت متفاوتی را بر نمی تابد و آن را مایه در دسر می داند. معمولاً ترانه هایی مجوز می گیرند که مبتنی بر معیارهای خاص باشند و از چارچوب تعیین شده فراتر نروند و این کاری است که صدا و سیما دارد انجام می دهد و سعی می کند کاملاً منطبق بر معیارها عمل کند. ترانه اگر با مسائل سیاسی و اجتماعی آمیخته شود، شکل دیگری پیدا می کند و ای بسا که دارای تأثیر گذاری بیشتری باشد.

#### ■ ترانه ممنوع

زمانی بود که «ترانه» خوب نبود، ترانه بایکوت بود و واژه «ترانه» با «ابتدال» قرین بود. اما اندک اندک از آن اعاده حیثیت شد و دوباره «ترانه» ترانه شد با همان بار معنایی خیلی مثبت. کاکایی درباره سرنوشت ترانه در بعد از انقلاب گفت: می دانیم که در ابتدا ترانه به سبک نوین و اصطلاحاً ترانه پاپ مردمی مرسوم نبود و این ترانه از اوایل دهه هفتاد ظهور و بروز پیدا کرد. در اوایل «سرود» بود و نه ترانه و سرودها به زبان رسمی سروده می شدند. این سرودها تا حدودی به سبک و سیاق تصنیف های ملی و سیاسی - اجتماعی گذشته نوشته می شدند. کسانی مثل استاد سبزواری، استاد مشفق، مرحوم اوستا و مرحوم شاهرخ، سرودهای انقلابی می سرودند که بسیار هم مهیج بودند. در دهه هفتاد که ترانه سرایی بار دیگر رواج یافت شاعران انقلاب با این که جریان پویایی را شکل داده بودند، خیلی به این مقوله نپر داختند. به جز آقای سهیل محمودی و چند نفر دیگر کسی این حوزه را جدی نمی گرفت. از سوی دیگر نظارت بر ترانه از همان آغاز بسیار زیاد بود؛ چون تأثیر گذاری ترانه زیاد است، احتیاط ها هم در باره آن زیاد بود. این ترانه ها بیشتر اوصاف طبیعت بودند. مثل شبانگهان آقای ساعد باقری و گاه هم ترانه هایی در باره معضلات اجتماعی مثل اعتیاد سروده خوانده می شد. اما به تدریج این محدودیت های دست و پا گیر کم تر شد. شیوع و رواج ترانه ها و موسیقی زیرزمینی و تکثیر سانه های صوتی و تصویری باعث شد که آن فضا بشکند. در واقع انگار امکان کنترل به سبک و سیاق گذشته وجود نداشت. با این حال آن چه که در فضای جدید تولید می شد چندان جذابیتی نداشت چون عوامل تولید

